

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مسئله وجوب اقتصاد و میانه روی در امور معاش اینکه سؤال نمودید که آیا در شرع انور اسلام در امورات راجعه بدنای شخص اقتصاد نمودن و دخل و خرج را ملاحظه کردن و میانه روی در مصارف معاش و گذران نمودن واجبست یا نه ؟ در جواب آقایان عرض میشود که اقتصاد کردن و بقدر کفایت خرج نمودن و در معاش میانه رفتار کردن بصریح آیات شریفه از واجبات شرعیه و از تکالیف واجبه اسلامیّه است چنانکه در سوره مائده و حجرات و ممتحنه فرموده **ان الله يحب المقسطین** و در لقمان میفرماید **فلما نجیهم الی البر فمَنهم مقتصد** و در ملائکه فرموده **و منهم مقتصد** و در مائده میفرماید **منهم امة مقتصدة** و در بقره فرموده **ذلکم اقسط عندالله** و در احزاب میفرماید **هو اقسط عندالله** و در حجرات فرموده **فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا** و در لقمان میفرماید **و اقصد فی مشیک** و مفاد این آیات شریفه همان اقتصاد است در امور دنیا و میانه روی در معاش و گذران است و در این آیات اقتصاد کنندگان را مدح فرموده و در مشی و قدم زدن امر باقتصاد کرده و بلکه مراد جمیع امورات راجعه بمعاش است و در بقره میفرماید **و کذلک جعلناکم امة وسطاً** و مراد امة وسط همان اقتصاد کنندگان است در جمیع امورات شخصیّه و در بنی اسرائیل فرموده **ولا تجعل یدک مغلولة الی عنقک**

ولا تبسطها كل البسط و در فرقان فرموده **والذين اذا انفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا وكان بين ذلك قواماً** و مفاد این دو آیه همان اقتصاد در امور معاش و گذران است و احتیاج بترجمه آیات ندارد زیرا که مفاد همه اینها میانه روی در معاش دنیوی است بدون شك از احدی از علماء مفسرین در این مفاد مذکور پس این یازده آیات شریفه در وجوب اقتصاد کفایت میکند و بلکه هریکی از اینها کافی است از برای شخص متدین از مردان و زنان و اما احادیث در این وجوب اقتصاد پس از حد تواتر گذشته است از آن جمله در کافی از حضرت سیدالساجدین عليه السلام روایت کرده که فرمود **لينفق الرجل بالقصد و بلغة الكفاف و يقدم منه الفضل لاخرته فان ذلك ابقى للنعمة و اقرب الى المزيد من الله تعالى و انفع في العاقبة** و در این حدیث امر بانفاق بطریق اقتصاد فرموده و بقدر کفاف فرموده و خواص اقتصاد را بیان کرده که سبب باقی بودن نعمت و زیاده شدن ثروت و نفع برای عاقبت شخص است و در کافی در حدیث داود رقی حضرت صادق عليه السلام فرموده اقتصاد را خداوند تعالی دوست میدارد و طرف مقابل آن را دشمن میدارد و در کافی در حدیث علی بن محمد از حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام است که اقتصاد نمودن سبب ثروت و اسراف کردن باعث هلاکت است و در کافی از ثمالی از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله است که سه چیز نجات دهنده است و سیم آنها اقتصاد است در حال غنی بودن و فقیر شدن

ودر فقیه از حضرت صادق علیه السلام است در تفسیر این آیه **يَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ**
قُلِ الْعَفْوَ که مراد از عفو انفاق بطریق وسط است و ایضاً در تفسیر این آیه
وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا
 آن حضرت فرمود که مراد از قواماً انفاق بر نحو وسط است و در کافی در
 حدیث حماد آن حضرت فرمود که خداوند تعالی فرموده **وَلَا تَلْقُوا أَبَا بَدِيكُم**
إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنْ أَلَّاهُ **يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ** و مراد از محسنین
 اقتصاد کنندگان است یعنی مراد از هلاکت در آیه عدم اقتصاد و مراد از
 احسنوا اقتصاد کردن است و در کافی و فقیه در حدیث موسی بن بکر حضرت
 کاظم علیه السلام فرموده کسی فقیر نشده در اقتصاد کردن خودش و در کافی در
 حدیث عمار از حضرت صادق علیه السلام است که دعای چهار نفر مستجاب نمیشود
 یکی آنکه مال داشته و آنرا فاسد و در فضولات صرف کرده و از خداوند
 تعالی مال بخواهد پس خداوند میفرماید آیا ترا امر نکردم باقتصاد
 نمودن در امر معاش و در کافی و فقیه در حدیث داود آن حضرت
 فرمود ای داود اصلاح نمیکند شخص مسلم را مگر سه چیز اول بصیرة
 او در دین خودش دوم صبر کردن او در مصیبات وارد شده سوم نیکو
 تقدیر کردن او امر معیشت خود را و در کافی در حدیث ذریح از آن
 حضرت است که وقتی که خداوند تعالی اراده خیر نمود برای جمعی
 روزی میکند بآنها رفیق و میانه روی را در معیشت ایشان و در تهذیب
 در حدیث سدیر از حضرت باقر علیه السلام است که خیر نیست در کسی که اقتصاد

نکند در امر معیشت خودش که اصلاح بکند با اقتصاد نمودن امورات دنیا و آخرت خود را و در کافی و فقیه از حضرت صادق علیه السلام است که اصلاح کردن مال از ایمان است و در فقیه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله است که از مروت شخص است اصلاح نمودن مال خودش از تلف شدن و اتلاف کردن و از امثال این احادیث صحیحه در کتب اربعه بسیار است و آنچه در اینجا ذکر شد کفایت است از برای مسلمانان دیندار و مؤمنین تقوی شعار و از این احادیث و آیات شریفه مذکوره معلوم گردیده و جوب اقتصاد در امر معیشت بمسلمانان و حرام بودن آن در شرع انور اسلامیان و از ایمان بودن و از مروت شدن اقتصاد در امر گذران و از تکالیف واجبه گردیدن میانه روی در امور دنیوی و فائده کردن آن در دنیای شخص و در آخرت او پس اگر جماعت مسلمین و خصوصاً اهل ایران از اول سلطنت قاجاریه باین آیات شریفه و احادیث مذکوره عمل میکردند و همیشه اقتصاد را ملاحظه مینمودند هرگز باین فلاکت واقع نمیشدند و باین فقر و فاقه و ذلت و عدم قدرت مبتلا نمیگردیدند و قوت و ثروت ایشان از دست خودشان نمیرفت زیرا که اگر اسلامیان ملاحظه امر معیشت خود میکردند معادن خود را اخراج مینمودند و کارخانجات را درست و فراهم میکردند و راههای خودشان را شوسه و خط آهن را در بلاد خودشان آماده میکردند و نقود خودشان را از بانک فلان و فلان بر میداشتند و در این تجارت بامنفعت و پر ثروت

صرف مینمودند و مایحتاج خود اهل اسلام از معادن و کارخانه‌های خود بیرون میشد و در هر سال قریب بیک میلیون نقد اهالی اسلام بخارجه نصیرت از جهت ملبوسات و ماکولات و از برای اسباب روشنائی و آلات و ادوات آهنی و مسی و ظروف چینی و زینت زنان و اسباب بازیچه صبیان و چیزهای مشغول کننده احمقان که اسراف محض و تبذیر صرف است و اغفلتاه از این اشتباه و احسرتاه از رفتن این نقود زیاد در سالهای متمادی از دست مسلمانان بیچارگان و امصیتاه از آتیه اهل ایران اگر از خواب غفلت بیدار نشوند و از جهالت سابقه برنگردند و از گذشته‌ها عبرت نگیرند و بعد از این هشیار نباشند و از فضولات ملبوسات و ماکولات و اسباب و آلات و ادوات دیگران اعراض و اجتناب نکنند و قناعت برامته و ولایات خودشان نمایند و باقتصاد در امر معیشت عامل نشوند و بمعادن و کارخانجات و خطوط راه آهن در ولایات خودشان مشغول نباشند و مایحتاج خود را از اجانب ابتیاع کنند زیرا که در این صورت جمیع نقود اهل ایران و بلکه اغلب املاک ایشان بدست اجنبیان خواهد رفت پس باید بزودی چاره نمود و از خواب نادانی بیدار شد و از غفلت بیرون آمد و تدارك آینده کرد و البته باقتصاد عمل نموده و ثروت فی الجمله را بر باد نداده و اسباب فلاکت و ذلت را از مسلمانان برداشته و آلات و اسباب لازمه را درست و فراهم کرده و الا : نه بر مرده بر زنده باید گریست و آیا وجه نقد بخارجه دادن و کاغذ و قلم و مداد

از آنها خریدن عمل بر اقتصاد واجب در دین است و آیا شیشه را از اجانب گرفتن و نفت را از دیگران ابداع کردن و ظروف اکل و شرب را و زینت زنان را و اسباب آتش بازیها را برای اطفال از خارجه آوردن و در مقابل فضولات معاش نفود را باجنبی تسلیم نمودن و روز بروز ثروت مملکت را برباد دادن و در جمیع مایحتاج محتاج همسایه شدن اقتصاد در امر معیشت است؟ و آیا آیات قرآن و احادیث امامان بما مسلمانان این دستور العمل را داده بود و آیا با وجود ضایع کردن اموال و املاک ایران در عوض فضولات دیگران و در مقابل لباس زود خراب شونده زنان دیگرما اسلامیان عمل بقرآن و بر احادیث پیشوایان خود مان میکنیم هیئات و چه بسیار محل تعجب و حسرت و ندامت است که حرف حق را و سخن درست را نشنویم و بقرآن عمل نکنیم و از احادیث ارشادیه حضرات ائمه علیهم السلام اعراض بکنیم و خود را متدین بدانیم و عاقل بشماریم و بلکه خودمان را سیاسی دان خیال نمائیم نعوذ بالله تعالی از خذلان و از خبط ثروتداران ایران و دیگر چه بگویم که ناگفتم بهتر است اگر در خانه کس است يك حرف بس است .

حررة الاحقر الارومى عرب باغى در بیستم شهر شعبان

در سال یکهزار و سیصد و چهل و سه از هجرت

« نبوی صلی الله علیه و آله »